

چارچوب‌های سامان‌بخش آزادی بیان در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

سید عیسی مسترحمی^{*۱}

احمد خالقی^۲

چکیده

هدف: این مقاله با هدف تبیین دیدگاه قرآنی امام خامنه‌ای درباره چارچوب‌های سامان‌بخش آزادی بیان نگاشته شده است تا زمینه برای تدوین الگوی قرآنی آزادی بیان فراهم گردد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با کاربرد تفسیر موضوعی استنباطی، پرسشی را از متن اجتماع دریافت و برای یافتن پاسخ، آن را به ساحت قرآن کریم عرضه کرده و تفسیر آیات را از آراء تفسیری امام خامنه‌ای دنبال کرده است.

یافته‌ها: آزادی بیان در منظومه معرفتی قرآن کریم، هر چند از حقوق بنیادین انسان به‌شمار می‌آید؛ اما همواره در چارچوب ضوابطی معنا می‌یابد که بر ارزش‌های الهی، مصالح اجتماعی و صیانت از حقیقت استوار بوده و از تبدیل شدن به ابزاری برای اهانت، تحریف و اخلال در امنیت اخلاقی و اجتماعی بازداشته شود. گسترش قرائت‌های افراطی و رها از ضابطه در فضای فکری و رسانه‌ای معاصر، ضرورت تبیین معیارها و حدود حاکم بر آزادی بیان بر پایه مبانی قرآنی را برجسته ساخته است.

نتیجه‌گیری: قرائت قرآنی امام خامنه‌ای از آزادی بیان، قرائتی ضابطه‌مند، هدف‌گرا و مسئولیت‌محور است در این قرائت، آزادی بیان به‌عنوان اصل قرآنی دارای چارچوبی پنج ضلعی است که پایبندی به حقیقت، اخلاق، آرامش اجتماعی، مصالح عمومی جامعه و اهداف متعالیه اسلامی اضلاع آن را تشکیل می‌دهند. از این منظر، آزادی بیان با هدف اصلاح‌گری و با رعایت موازین اخلاقی، مقید به رعایت حدود الهی، نصاب‌های عقلی و منطقی و مصالح جامعه اسلامی قرار می‌گیرد. براین اساس، بیان‌های تنش‌آفرین، وحدت‌شکن، شایعه‌ساز، توهین‌گونه، تمسخرآمیز و مواردی که موجب فساد و تباهی فردی یا اجتماعی می‌گردد، از این چارچوب خارج‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، امام خامنه‌ای، اندیشه قرآنی، آزادی بیان، ضوابط آزادی بیان.

Email: Dr.mostarhami@chmail.ir

۱- عضو هیئت علمی، دانشیار و مدیر گروه قرآن و علم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fasihi7276@gmail.com

۲- دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی، گروه قرآن و علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، دایکندی، افغانستان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲

مقدمه

آزادی خواسته تکوینی و فطری و جزء نیازهای اساسی بشر است. این مقوله یک مفهوم دامنه‌دار و شامل دسته‌های گوناگون بوده که یکی از پرحاشیه‌ترین و غوغابرانگیزترین شاخه‌های آن، آزادی بیان است. بیان و تبیین، مسائل درهم‌تنیده و مبهم را روشن می‌سازد. با توضیح و تبیین می‌توان یک جامعه را به قله فرهنگ و تمدن رساند و یا به ورطه سقوط و انحطاط کشاند، (اسحاقی، ۲۰۰۵: ۹۱). بنابراین، تردیدی در آزاد بودن تبیین افکار و عقاید از نگاه اسلام نیست؛ اما آزادی بیان به صورت مطلق و بدون مانع، نه منطقی است، نه ممکن است و نه طرفدار دارد (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۶/۱۲/۲۶)؛ بلکه اظهار آراء و انظار دارای مقررات و مرزهای است که می‌بایست در قالب و هیئت آن‌ها تعریف گردد. اهمیت زیاد مرزگذاری «آزادی بیان»، آیت الله خامنه‌ای را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از بینش الهی، دانش حوزوی و فهم سیاسی-اجتماعی خویش، به قرآن نگرسته و حدود و ثغور آن را استخراج و به جامعه ارائه دهد؛ زیرا ضابطه‌مندسازی «آزادی بیان» مسیر بیان‌های تخریب‌گر افراد فرصت‌طلب را می‌بندد و مانع اظهارات ویران‌گر و معارض با مصالح فردی و اجتماعی می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر تفسیر موضوعی استنباطی، به واکاوی ضوابط آزادی بیان از منظر قرآن کریم و با توجه به بینش قرآن‌محور امام خامنه‌ای بپردازد. در این روش، پرسش از ضوابط آزادی بیان، مستقیماً در برابر آیات قرآن و بیانات ایشان قرار می‌گیرد و با استخراج، تبیین و تحلیل نظام‌مند داده‌ها، چارچوب‌ها و معیارهای نظری و عملی آن استنباط و ارائه می‌شود.

تتبع در سابقه تحقیقاتی ضوابط آزادی بیان، نتایج ذیل را به دست داد: ایازی در کتاب «آزادی در قرآن»، به ابعاد گوناگون آزادی پرداخته و به اختصار ماهیت آزادی‌بیان را مورد بررسی قرار داده است. «محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بشر اسلامی با رویکرد به اسناد بین‌المللی» اثر سید حسین ملکوتی؛ برخی از ضوابط اسلامی آزادی‌بیان را با رویکردی تطبیقی یادآوری کرده؛ اما به مستندات قرآنی آن کمتر توجه داشته است. پی‌جویی‌های انجام شده در عرصه دیرینه پژوهشی چارچوب و ضوابط حاکم بر آزادی بیان نشان داد که پیشینه عام این مقوله اندک و پیشینه خاص (ضوابط آزادی بیان در قرآن) کمتر و پیشینه ویژه‌ای برای موضوع (ضوابط آزادی بیان در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای) بسیار محدود است. افتخاری و قاضی زاده در مقاله «تحلیل تماتیک امنیت و آزادی اندیشه از منظر امام خامنه‌ای (مدظله)» به بیان ساحت‌ها و کارکردهای امنیت و آزادی بیان پرداخته است. علاوه بر این الهی و اخلاقی، ماهیت و چیستی این موضوع را در مقاله‌ای با عنوان «آزادی بیان در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای» مورد تحلیل قرار داده‌اند. با این لحاظ، تعیین چارچوب و ضوابط آزادی بیان از دیدگاه قرآنی ولی جامعه مسئله‌ای شایسته پژوهش است.

چارچوب مفهومی پژوهش

۱. آزادی

آزاد یعنی رها، یله، رسته، بی‌قید و بند (عمید، ۱۹۹۸: ۲۸) و آزادی به معنای اختیار، رهایی، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، و خلاف بندگی، رقیّت، عبودیت، اسارت و اجبار، آمده است (دهخدا، ۱۹۹۸، ج ۱: ۷۷؛ معین، ۱۹۹۷: ۴۶). برخی لغت‌دانان نیز رها بودن از قید و بند؛ نبودن مانع یا مزاحم برای انجام کاری، امکان عملی کردن خواسته‌ها به صورت فردی یا جمعی؛ حق اقدام و انتخاب بدون دخالت دیگران را از کاربردهای واژه آزادی دانسته‌اند (انوری، ۲۰۰۲: ۸۹)؛ معادل عربی آزادی، واژه «حریت» است. در قرآن کریم واژه «الْحُرُّ» (بقره/۱۷۸) به معنای آزاد و کلمه «تَحْرِیرٌ» (مجادله/۳) به معنای آزاد کردن آمده است. آزادی همانند بسیاری از دانش‌واژه‌های علوم انسانی، دارای معانی عدیده و برداشت‌های متفاوت و گوناگون است (عمیدزنجانی، ۱۹۹۸: ۱؛ ج ۱: ۵۷۴). متفکران مکاتب گوناگون فلسفی، فکری و اجتماعی، رویکردهای مختلف و گاه متضاد در قبال آزادی اتخاذ کرده‌اند. هر چند تنوع و تعارض در تفسیر آزادی، مولود عواملی چون شرایط زمانی، مکانی، تعلیم و تربیت فردی، اجتماعی و خانوادگی، پایگاه طبقاتی و اقتصادی و نوع نگاه به انسان است؛ اما به نظر می‌رسد رگه‌های اصلی تعریف‌های متفاوت و متعارض از آزادی به جهان بینی تعریف کننده برمی‌گردد (عابدی اردکانی، ۲۰۱۵، ج ۱: ۲۸۴) بدین جهت ارائه تعریف جامع و دقیق از آن دشوار و گاه خارج از توان قلم و بیان است (عمیدزنجانی، ۱۹۹۸، ج ۱: ۵۷۴).

در جهان بینی اسلام، جهان تک قطبی و حاکمیت بر آن در انحصار خداوند است. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «ریشه آزادی انسان در اسلام؛ توحید و معرفت خداوند است. این ریشه، آزادی‌های تازه‌ای را برای انسان به بار می‌آورد. بدین جهت است که ادیان و بخصوص اسلام بر روی عبودیت انحصاری پروردگار تکیه کرده‌اند. قرآن خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: ای اهل کتاب؛ بی‌ایید بر یک کلمه با هم توافق

کنیم که (أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ) هیچ کسی غیر از خدا را عبادت نکنید... و (وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا) (آل عمران/۶۴)؛ هیچ چیزی را-نه فقط هیچ کسی را-شریک خداوند قرار ندهید. باز مطلب را در صحنه زندگی روشن تر و عینی تر می‌کند: (وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ) (آل عمران/۶۴) هیچ کدام از ما آن دیگری را پروردگار و ارباب خودمان نگیریم، مگر خدا. این شعار اسلام است. امروز هم اگر بشر بتواند سنگینی بار نظام‌های فاسد، انسان‌های ظالم و خودکامه و... را از دوش خود بردارند، آزادی از غیر حاصل می‌شود» (خطبه‌های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۹۸۷/۱/۹). بر همین اساس بهره‌مندی از آزادی اجتماعی، در گرو آزادی معنوی است و هدف بعثت، تأمین آزادی‌های درونی و بیرونی بوده است (صدر، ۱۹۳۹: ۳۰). و «اگر تقوا و تزکیه در کسی پیدا شد، او آزاد است و می‌تواند بر قدرت‌های بزرگ عالم پیروز بشود» (خطبه‌های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۹۸۷/۱/۹). بنابراین؛ از نگاه قرآن مبنای آزادی توحید است و آزادی بیرونی، پس از تحقق آزادی درونی، تأمین می‌شود. در این بینش آزادی یعنی تقید و التزام انسان به اطاعت خداوند و نفی مطلق اطاعت غیر خدا.

همان‌گونه که اشارت رفت مفهوم آزادی خوانش‌های متعددی را برتافته است. برخی آزادی را به معنای رهایی از بند و زندان، تلاش برای کنارگذاشتن موانع، جلوگیری از مداخله، بهره‌کشی و اسارت انسان توسط دیگران می‌دانند. (برلین، ۱۹۸۹: ۷۱؛ به نقل از سیدباقری، ۲۰۱۸: ۱۰). استاد محمد تقی جعفری در تعریف آزادی می‌نویسد: «آزادی یعنی توانایی انتخاب یک هدف از میان چند هدف، یا توانایی انتخاب یک وسیله از میان اشیاء متعدد» (محمدتقی جعفری، ۱۹۹۶: ۷۶) شهید مطهری باورمند است که «آزادی یعنی نبود مانع، نبود جبر، نبود هیچ قیدی در سر راه، پس آزادم و می‌توانم راهم را انتخاب کنم» (مطهری، ۲۰۰۷: ۱۰۸). از دید مطهری آزادی اجتماعی یعنی آزادی انسان از قید و بند افراد دیگر، این نوع آزادی تأمین نخواهد شد جز با تحقق آزادی معنوی (مطهری، بی‌تا: ۴۴۰). مقام معظم رهبری با توجه به مبنای توحیدی آزادی می‌فرماید: «آزادی یعنی آزادی از قید عبودیت‌ها، رقیّت‌ها، اسارت‌ها، سلطه‌ها و ارزش دادن به اراده انسان» (خطبه‌های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۹۸۷/۱/۲۳).

حاصل آن‌که؛ مفهوم آزادی پس از تبیین زیرساخت‌های بنیادین آن قابل تعریف است. از آن‌جاکه در ادبیات قرآن کریم، توحید زیربنای امور است، آزادی در جهان‌بینی الهی عبارت است از؛ پذیرش حاکمیت الهی، نفی حاکمیت طاغوت و رد و منع همه اسارت‌ها و قیدوبندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...

۲. آزادی بیان

دانش‌واژه «بیان» در لغت به معنای کشف و آشکارسازی بوده و اعم از نطق است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۱: ۱۵۶؛ جوهری، ۱۹۸۹: ۵). واژه بیان در قرآن کریم نیز به کار رفته است مانند «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامه/۱۹)، «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» (آل عمران/۱۳۸) «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمن/۴) آزادی بیان از مفاهیم لغزنده و کش‌دار است که تفسیرها و بازاندیشی‌های اندیش‌وران بسیاری را تجربه کرده است. در نگاه پولن آزادی بیان، یعنی ابراز آزادانه باورها از راه‌های گوناگون (گفتار، نوشتار، تصویر، مطبوعات و ...) بدون ترس از دولت. (پولن، ۲۰۰۱:

۹. به نقل از سیدباقری، (۲۰۱۸: ۹) به دیگر بیان آزادی بیان یعنی حق نشر افکار از مسیرهای مختلف، بدون این که متوقف بر تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد (علی شیرخانی، ۲۰۰۷: ۲۳۵). بنابراین؛ آزادی بیان به معنای حق ابراز باورها و فرآورده‌های علمی و فکری خود، در قالب‌های گفتاری، نوشتاری، نمایشی و... بدون دل‌مشغولی و هراس از تعقیب و پی‌جویی است.

یافته‌های پژوهش

آزادی بیان مفهومی است که مکاتب مختلف الهی و بشری بدان توجه کرده است و هر کدام در تبیین و بسط و قبض آن سخن رانده است. این که چه کسی می‌تواند حدود و مرزهای آن را تعیین کند خود پرسشی قابل تأمل است. آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ به این سؤال می‌نویسد: «تنها عاملی که می‌تواند حدود آزادی را کاملاً تحدید کند، شریعت الهی است که حق صاحب حق را تعیین می‌کند و تأدیه آن را لازم و تخریب و تهدیم آن را تحریم و دفاع از آن را تبیین کرده است» (جوادی آملی، ۲۰۰۲: ۴۷۹). بنابراین؛ تنها چیزی که آزادی را تحدید، بلکه در حقیقت تعریف می‌کند، شریعت الهی است.

در منظومه فکری امام خامنه‌ای که ملهم از قرآن است، آزادی مطلق؛ یعنی آزادی به معنای رها بودن از هر قید و بند و ندیدن مانع بر سر راه خود، نه منطقی است، نه ممکن است و نه کسی طرفدار اوست؛ ایشان می‌فرمایند: «حتی آنارشیست‌ها که شعار آزادی از تمام قوانین اجتماعی را سر می‌دادند، به یک قیودی معتقد بودند و در عمل رعایت می‌کردند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۶/۱۲/۲۶). «پس آزادی به معنای بر خلاف قانون و شریعت عمل کردن، وجود ندارد» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۲۰۱۸/۳/۲۱) «بلکه استفاده از آزادی، ادبی دارد که باید یاد بگیریم و یاد بدهیم.» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۰۳/۱/۲۸). ایشان با تأکید می‌افزاید: «کسی که قلم به دست می‌گیرد، باید تقوا، صداقت، عفاف و انصاف نسبت به دیگران جزو طبیعت ثانوی‌اش بشود، تا با آزادی مطبوعات و قلم، ارزش‌ها پامال نشود» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۰۱/۳/۲)

با توجه به گزینه طغیان‌گر و زیاده‌خواه انسان، آزادی مطلق از سوی عقل، فطرت، ادیان الهی و مکاتب بشری پذیرفته شده نیست. پس انسان در عین آزاد بودن، در ابعاد گوناگون زندگی مرزهای دارد که باید آن‌ها را رعایت کند و اگر نکند، تنبیه خواهد شد تا از هرج و مرج و فساد جلوگیری شود. (جوادی آملی، ۲۰۰۰: ۲۹). آزادی طبیعی انسان نباید به آزادی، مالکیت دیگران و امنیت اجتماعی آسیب‌رساند، مقدسات و ارزش‌های جامعه را زیرپاگذارد و دیدگاه‌های فتنه‌آور را نشر کند (سیدباقری، ۲۰۱۹: ۲۳-۲۴ و سبحانی تبریزی، ۲۰۰۰: ج ۲: ۴۱۲) اگر اظهار عقیده نوعی تحریک برای انجام کاری یا مخیل مصالح مشروع دیگران باشد، مصونیت خود را از دست می‌دهد (جان استوران میل، ۱۹۶۲: ۱۴۷). باید یادآور شد که مرزهای آزادی بیان در همه جا یکسان نیست بلکه بسته به نوع گوینده، شنونده، محتوا و اثرگذاری کلام دارای احکام متفاوت است (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۷/۵/۸) در ذیل برخی از حدود آزادی بیان در ادبیات فکری قرآن محور مقام معظم رهبری تبیین خواهد شد.

پایبندی به حقیقت در گفتار و اندیشه

آزادی بیان باید در چارچوب حقیقت قرار گیرد و از هرگونه تجاوز به مرزهای الهی پرهیز کند. گفتار و اندیشه‌ای که صادق، مستند و عاری از تحریف باشد، زمینه‌ساز بروز اندیشه‌های سازنده و تأمین رشد فکری جامعه است. این اصل، مبنای نخستین در تعیین حدود و ضوابط آزادی بیان است که در عنوان توضیح داده می‌شود.

جدول ۱: تحلیل مضمون پایبندی به حقیقت و شریعت در گفتار و اندیشه

مضمین فراگیر	مضمین سازمان دهنده	مضمین پایه	داده‌ها
پایبندی به حقیقت در گفتار و اندیشه	حکم عقل و شرع به التزام به مرزهای الهی در آزادی بیان	لزوم شناخت و رعایت حدود الهی در بیان‌ها	«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹؛ و نیز بقره: ۱۸۷ و توبه: ۱۱۲). حدود را بشناسید و طبق آن عمل کنید. هر چه که حد الهی است، آن درست است. سلیق شخصی باید دخالت نکند» (۱۹۹۰/۱۲/۳۱)
		توجه به مرزبندی‌های الهی برای آزادی بیان	
		ممنوعیت عبور از خط قرمزهای دینی	
		نفی سلیقه‌گرایی در مرزهای شرعی	
		جواز بیان در چارچوب حدود الهی	
	پرهیز از سخنان بی‌پایه و بدون دانش	ممنوعیت سخن بدون علم	چیزی را که بدان علم نداری، دنبال نکن، دنبال کردن، هم در زمینه عمل هست، هم در زمینه گفتار هست. لذا دنبالش می‌فرماید: گوش: چشم و قلب مسئول و مورد بازخواست است» (۲۰۱۲/۸/۶). «ژورنالیسم رایج دنیا، بدون علم شایعه‌پردازی و دروغ‌پردازی می‌کنند» (۲۰۲۰/۴/۲۵)
		مسئولیت‌پذیری در بیان	
		مقابله با شایعه‌پراکنی و اخبار بی‌پایه	
		جواز ابراز و اظهار نظر مبتنی بر علم و آگاهی.	
	پرهیز از تحریف آگاهانه واقعیت‌ها	ممنوعیت تحریف حقایق	مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ... وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء: ۴۶؛ و مائده: ۱۳) دانشمندان و نظام اسلامی با تحریف حقایق برخورد کنند (۱۹۸۷/۵/۸). اسلام با تبلیغات ضداسلامی و فریب‌گرایانه که موجب سست شدن ایمان مردم و راهزنی دل‌های مردم می‌شود، مقابله می‌کند» (۱۹۸۷/۳/۶)
		لزوم مقابله با تبلیغات فریبنده توسط دانشمندان	
		تهدید دائمی تحریف برای دین	
		ممنوعیت نشر افکار تحریف شده	
		آثار سوء تحریف بر بشریت	
		ملعون بودن تحریف‌کنندگان	
	حرمت دروغ بستن به خداوند در گفتار		

پرهیز از نسبت‌دادن سخن ناحق به خدا	منع اظهارات بی‌پایه به نام دین	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ (الأنعام: ۹۳؛ انعام/۲۱ و ۱۴۴، اعراف/۳۷، یونس/۱۷، کهف/۱۵، نحل/۱۱۶)...
	نفی بدعت در گفتار دینی	...وَلَا تُطْعَمُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا (کهف/۲۸ و قصص/۲۶ و ۵۰، جاثیه/۲۳)
	تقییح هوس‌محوری در تفسیر دین	
	خطر تفسیر ناروا به اسم وحی	

التزام به مرزهای الهی

یکی از مفاهیم اساسی اسلام «حدودالله» است. این حدود در مسأله آزادی بیان باید شناخته و رعایت شود. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «بعد از ایمان آوردن به اسلام، باید حدود و خط‌کشی‌های اسلام حفظ شود، تعدی از حدود الهی، جایز نیست. حکومت اسلامی، آن وقتی سربلند است که بتواند حدود الهی را حفظ کند. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۲۹) و نیز به حدود الهی نزدیک نشوید «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا» (بقره/۱۸۷) قرآن یکی از ویژگی مؤمنان را حفاظت از حدود الهی می‌داند: «...الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ...» (توبه/۱۱۲)؛ حدود را بشناسید و طبق آن عمل کنید. هرچه که حد الهی است، آن درست است. سلايق شخصی باید دخالت نکند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۰/۱۲/۱۹۹۰). بر این اساس؛ انسان مؤمن با پذیرش قوانین الهی، نه به یکه‌تازان و قدرت‌پرستان آزادی می‌دهد و نه خود به آزادی دیگران لطمه وارد می‌کند؛ بلکه با رفتار معقول و سنجیده بسترهای فردی و جمعی رسیدن به آزادی و رستگاری را فراهم می‌آورد. (سیدباقری، ۲۰۲۰: ۲۹) بنابراین؛ هرگاه بیان افکار در پیرامون و چارچوب حدود الهی باشد جائز و هر زمان از خط‌کشی‌ها و مرزهای اسلام تجاوز کند، ناروا و ممنوع است.

پرهیز از سخنان بی‌پایه و بدون دانش

یکی از ساحت‌های ضابطه‌مندی آزادی بیان، منع سخن جاهلانه است. رهبر انقلاب می‌فرماید: «اگر چنانچه چیزی را بگوئیم که به آن علم نداریم؛ این شایعه‌پردازی و قول به غیر علم است که هم گفتنش و هم عمل کردن به آن، اشکال دارد؛ قرآن می‌فرماید: وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ... (اسراء/۳۶). «لا تقف»، یعنی چیزی را که بدان علم نداری، دنبال نکن، دنبال کردن، هم در زمینه عمل هست، هم در زمینه گفتار هست. لذا دنبالش می‌فرماید: گوش؛ چشم و قلب مسئول و مورد بازخواست است» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۱۲/۷/۶).

مفسران ذیل این آیه بیان می‌دارد که آیه با اطلاق خود پیروی و متابعت از هر چیزی (اعتقادی یا عملی، گفتاری یا رفتاری) که بدان علم و یقین نداریم را نهی می‌کند (طباطبایی، ۱۹۷۰، ج ۱۳: ۹۲ و مراغی، بی‌تا، ج ۱۵: ۴۵)؛ زیرا سخن گفتن بدون علم قبیح و ناپسند است حتی از نگاه غیرمؤمنان به خدا و قیامت (مغنیه، ۲۰۰۳، ج ۵: ۴۳). رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «الان ژورنالیسم رایج دنیا درست عکس این عمل می‌کنند؛

یعنی بدون علم شایعه‌پردازی و دروغ‌پردازی می‌کنند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۵/۴/۲۰۲۰). نتیجه آن که، همان‌گونه که گفتار، رفتار و کردار بدون علم از نگاه اسلام ممنوع است، متابعت و دنبال کردن گفتاری و رفتاری از آن نیز مردوع و منهی می‌باشد، پس منع از قول بغیر علم، مانع آزادی بیان است؛ یعنی فقط ابرازها و اظهارهای آزاد است که نسبت بدان علم و آگاهی وجود داشته باشد.

پرهیز از تحریف آگاهانه واقعیت‌ها

تحریف، تفسیر واژگون یک پدیده است که همواره ادیان الهی را تهدید کرده و بخش‌های از معارف الهی را به گونه ناصواب به خورد جامعه داده است، بدین جهت از نگاه قرآن «بیان» آزاد است؛ اما تحریف و تأویل ناروای حقایق ممنوع می‌باشد. تحریف یک پدیده همیشگی است و همواره از سوی افراد بیمار دل به هدف اغفال مردم و نیل به اهداف خویش، صورت می‌گیرد.

به باور آیت الله خامنه‌ای یکی از حدود آزادی بیان، کلام و بلاغ تحریف‌آمیز است. این مفسر نواندیش می‌افزاید: دانشمندان و نظام اسلامی با تحریف حقایق برخورد کنند (مقام معظم رهبری، بیانات در ۸/۵/۱۹۸۷). ایشان در بیان دیگری می‌فرماید: «اسلام با تبلیغات ضداسلامی و فریب‌گرایانه که موجب سست شدن ایمان مردم و راهزنی دل‌های مردم می‌شود، مقابله می‌کند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۶/۳/۱۹۸۷). قرآن کریم در چند آیه مسأله تحریف را مطرح کرده است. خداوند آن یهودیانی را که کلام خدا را تحریف می‌کردند، مورد لعن قرار داده است (نساء/۴۶ و مائده/۱۳) صاحب مجمع‌البیان در این زمینه می‌نگارد: تحریف شامل بدعت در فتاوا، محاکمات و سایر امور دینی می‌شود (طبرسی، ۱۹۹۴، ج ۱: ۲۸۵) و کسی که از ضلالت و گمراهی پیروی می‌کند، تنها به خود جنایت نکرده بلکه آثار سوء آن، دامن‌گیر نسل‌های آینده نیز می‌شود (مغنیه، ۲۰۰۳، ج ۱: ۱۳۳). با توجه به آثار منفی تحریف و نشر افکار تحریف شده، علاوه بر آن که اصل تحریف و تغییر، یک پدیده نارواست، نشر و پخش آن نیز ممنوع است و کسی حق ندارد به بهانه آزادی عقیده و بیان به چنین اعمالی سخیف و منحرفانه دست زند.

پرهیز از نسبت‌دادن سخن ناحق به خدا

بیان اندیشه‌های مخالف دین اگر به مرز افترا و دروغ بستن به خداوند برسد ممنوع است و نمی‌توان آن را در چهارچوب آزادی بیان مجاز دانست (ایازی، ۲۰۰۱: ۲۴۱). قرآن کریم می‌فرماید: «و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد یا می‌گوید: «به من وحی شده»، در حالی که چیزی به او وحی نشده باشد، و آن کس که می‌گوید: «به زودی نظیر آنچه را خدا نازل کرده است نازل می‌کنم»؟ و کاش ستمکاران را در گرداب‌های مرگ می‌دیدید که فرشتگان [به سوی آنان] دست‌هایشان را گشوده‌اند [و نهیب می‌زنند]: «جانهایتان را بیرون دهید» (انعام/۹۳). در آیات دیگر نیز این موضوع آمده است (انعام/۲۱ و ۱۴۴، اعراف/۳۷، یونس/۱۷، کهف/۱۵، نحل/۱۱۶). یکی دیگر از مرزهای آزادی بیان بدعت و ابراز نظر بر اساس هوی و هوس است؛ یعنی انسان نمی‌تواند نظراتی را به اسم دین اعلام کند که هیچ سندی بر آن ندارد، و سابقه‌ی در علوم دینی نداشته و با قواعد دین سازگار نیست (کاتوزیان و حبیب‌الله رحیمی، ۲۰۰۴: ۶۴) قرآن کریم

می‌فرماید: «...وَلَا تُطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» (کهف/۲۸ و قصص/۲۶ و ۵۰، جائیه/۲۳).

این دسته نشان می‌دهد که آزادی بیان بدون التزام به صداقت و دانش، مشروعیت ندارد. قرآن، عقل و اندیشه امام خامنه‌ای بر پایه‌ی «صدق و علم» در بیان عمومی تأکید دارند.

پایبندی به اخلاق در گفتار

بیان آزادانه باید با رعایت ارزش‌های اخلاقی و ادب اجتماعی همراه باشد تا از آسیب‌هایی چون تهمت، غیبت و افترا جلوگیری شود و کرامت انسانی حفظ گردد. این اصل، بیانگر ضرورت مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در مواجهه با «آزادی بیان» است و در موارد ذیل دسته‌بندی می‌شود.

جدول ۲: تحلیل مضمون پایبندی به اخلاق در گفتار

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	داده‌ها: آیات قرآنی و بیانات رهبری
پایبندی به اخلاق در گفتار	خودداری از بازگویی بی‌ب‌های دیگران	ایجاد اختلال در نظم اجتماعی	«وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا»؛ (حجرات/۱۲) غیبت کردن دل‌ها را چرکین و زندگی و روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج میکند» (۲۰۲۰/۴/۲۵)
		برهم‌زدن پیوندهای انسانی	
		آلوده‌سازی فضای ذهنی و قلبی	
	خودداری از نسبت‌های ناروا و سخنان اتهام‌آمیز	آلوده‌سازی افکار عمومی با اتهام	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ» (حجرات: ۱۱). از ایجاد فضای تهمت و سوءظن در جامعه پرهیز کنید (۲۰۰۹/۹/۲۰). تهمت زدن بدون دلیل و نفی صلاحیت افراد، به هم‌گرایی و وحدت ملی آسیب می‌زند (۲۰۰۰/۱۱/۱).
		نفی صلاحیت بدون برهان	
		شکستن حرمت‌های جمعی	
		تخریب وحدت ملی	
		خروج گفتار از مسیر کرامت	
		مشروط بودن آزادی به اخلاق	

رعایت عدالت و انصاف در گفتار	التزام به انصاف حتی در تعارض	«...وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...» (انعام: ۱۵۲) «...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (مائده: ۸): انصاف در گفتار و رفتار باید رعایت شود. دشمنی، با کسی، موجب نشود که نسبت به او بی‌انصافی و بی‌عدالتی کنید. (۲۰۰۹ / ۷/۲۵)
	تقدم عدالت بر احساسات و تعصبات	
	گفتار مبتنی بر قسط و تقوا	
	حفظ حق محوری در تعامل با دیگران	
	مسئولیت اخلاقی در بیان واقعیت	

خودداری از بازگویی عیب‌های دیگران

از آن‌جا که غیبت به مناسبات اجتماعی افراد آسیب می‌رساند و برون‌دادی جز ایجاد کینه و بغض میان مردم ندارد، از دید مکاتب توحیدی ممنوع است. رهبر انقلاب در ذیل این آیه «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات/۱۲) می‌فرماید: «غیبت نکنید؛ این [دستور]، مناسبات اجتماعی را تنظیم می‌کند. شما وقتی غیبت می‌کنید، دل خود و مخاطب را چرکین می‌کنید، این کار، زندگی و روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج می‌کند» (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری در پایان محفل انس با قرآن کریم ۲۴/۴/۲۰۲۰). نظام روابط اجتماعی سالم به رعایت اصول اخلاقی وابسته است و بدون پایبندی به آن‌ها پیوندهای اجتماعی مختل خواهد شد.

خودداری از نسبت‌های ناروا و سخنان اتهام‌آمیز

یکی از اصول بنیادین «آزادی‌بیان»، محدود کردن آن به رعایت اخلاق و پرهیز از تهمت‌پراکنی است. قرآن کریم مؤمنان را به صراحت از تمسخر یکدیگر، عیب‌جویی و نسبت دادن القاب ناپسند برحذر داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ» (حجرات: ۱۱). بر این اساس، «آزادی‌بیان» مشروط است به رعایت ادب و احترام در سخن گفتن با دیگران و عبور از این مرز، از دایره آزادی خارج است.

رهبر معظم انقلاب نیز با استناد به داستان «افک» و آیه شریفه: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور: ۲۴)، بر پرهیز از ایجاد فضای تهمت و سوءظن در جامعه تأکید دارند (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰/۹/۲۰۰۹). ایشان هشدار می‌دهد که تهمت زدن بدون دلیل و نفی صلاحیت افراد، به هم‌گرایی و وحدت ملی آسیب می‌زند (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۱/۱/۲۰۰۰).

ایشان همچنین یادآور می‌شوند که تهمت زدن به افراد گناه است و تهمت به نظام جمهوری اسلامی گناهی بسیار بزرگ‌تر (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰/۹/۲۰۰۹).

از این‌رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رعایت اخلاق گفتاری و دوری از تهمت‌پراکنی، از ضوابط ضروری «آزادی‌بیان» است، چرا که «آزادی‌بیان» نباید موجب خدشه به کرامت انسانی و وحدت ملی شود.

رعایت عدالت و انصاف در گفتار

رعایت عدالت و انصاف در گفتار افزون بر آنکه یکی از چارچوب‌های اخلاقی «آزادی‌بیان» است، تضمین‌کننده سلامت ارتباطات اجتماعی و پیشگیرنده از آسیب‌های فردی و جمعی نیز به شمار می‌آید. قرآن کریم می‌فرماید: حتی اگر بیان شما به ضرر بستگان تان بود، عادلانه سخن بگوئید «...وَأِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...» (انعام: ۱۵۲) در آیه دیگر یک گام فراتر رفته و بیان می‌دارد که در برخورد با دشمن تان نیز عدالت و انصاف را رعایت کنید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (مائده: ۸). امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. دشمنی، با کسی، موجب نشود که نسبت به او بی‌انصافی و بی‌عدالتی کنید. حالا آن که دشمن هم نیست. بی‌عدالتی‌ها و بی‌انصافی‌ها را همه کنار بگذارند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۰۹/۷/۲۵).

این ضوابط اخلاقی «خط قرمزهای گفتاری» در جامعه قرآنی هستند. آزادی بیان، بدون حفظ حرمت اخلاق، از دید قرآن و امام خامنه‌ای انحراف‌آفرین است.

پایبندی به نظم و آرامش در فضای عمومی جامعه

جدول ۳: تحلیل مضمون پایبندی به نظم و آرامش در فضای عمومی جامعه

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه	داده‌ها: آیات قرآنی و بیانات رهبری
پایبندی به نظم و آرامش در فضای عمومی جامعه	دوری از شایعه‌پراکنی و اتهام‌آفرینی در جامعه	جلوگیری از شایعه‌پراکنی و ناامیدسازی در جامعه	«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ» (احزاب/۶۰)
		منع تهدید سلامت روانی جامعه با گفتار	«مرجع» کسی است که با شایعه‌پراکنی و تشنج آفرینی، امید را از مردم می‌گیرد و آن‌ها را می‌ترساند.
		منع ایجاد ناامنی اجتماعی با سخن‌های التهاب‌زا	این رفتار حتی در مدینه هم تحمل‌ناپذیر بود، و خداوند با لحنی شدید می‌فرماید: اگر دست برندارند، تو را علیه آنان برمی‌انگیزیم (۱۹۸۷/۵/۸) و (۱۹۹۱/۹/۱۸).
		منع تضعیف ایمان عمومی از طریق جنگ روانی	«وَلَوْ لَا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور/۱۶؛ نور/۱۱-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹). قرآن با لحنی بسیار تند به مسلمانان تذکر می‌دهد که چرا شایعه را رد نکردند و نسبت به گوینده آن شدت عمل نشان ندادند. این حادثه برای ریشه‌کنی شایعه‌پراکنی در مسائل شخصی بود.
		رد نکردن شایعه‌ناشانه انفعال اجتماعی	پیامبر(ص) فضای جامعه را آکنده از محبت و خوش‌بینی نسبت به یکدیگر ساخت و امروز هم وظیفه ما همین است (۱۹۸۹/۱۰/۲۰).
		لزوم حساسیت عمومی در برابر اتهام‌ها	
		لزوم نقش‌آفرینی مردم در کنترل فضای عمومی	
		لزوم تربیت جامعه بر خوش‌بینی و محبت	
		خطر تکرار بهتان و آسیب اجتماعی آن	

تاریخچه: از ظهور تا ظهور	محدود بودن آزادی بیان به حدود اخلاقی و جمعی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا (الحجرات: ۱۲) پرهیز از باطل‌گویی (حج: ۳۰)؛ اجتناب از سخنان بی‌پهلو (مؤمنون: ۳)؛ عدالت در گفتار (انعام: ۱۵۲)؛ منع تهمت بی‌دینی به مسلمانان (نساء: ۹۴)؛ احترام به مقدسات اقوام (انعام: ۱۰۸)؛ محدودیت اظهارنظر در دین به چارچوب صحیح (نساء: ۱۷۱).
	نهی از سخنانی که به هنجارها آسیب می‌زند	
	پرهیز از گفتار ستیزه‌جویانه علیه نمادهای مقدس	
	رعایت ادب گفتاری و اجتماعی در بیان دیدگاه	
	عدم تحریک دشمنان از طریق سخن‌سنجیده	

«آزادی بیان» نباید منجر به ایجاد تشنج، آشوب یا گسترش شایعات در جامعه شود. حفظ آرامش و نظم اجتماعی، شرط لازم برای تضمین امنیت روانی و اجتماعی شهروندان است و «آزادی بیان» باید در راستای تحکیم این شرایط به کار رود. در این قسمت به پاره از این التزامها می‌پردازیم.

دوری از شایعه‌پراکنی و التهاب‌آفرینی در جامعه

از دیگر مرزهای آزادی اظهار باورها، اعلام افکاری است که موجب اخلال و تنش در جامعه می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی برای اثبات این مطلب به آیه ۶۰ سوره‌ی احزاب استدلال کرده است: «لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/۶۰) ایشان در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «مرجف» یعنی آن کسی که با سخن، شایعه‌پراکنی، موضع‌گیری و اظهارنظرهای خود، تشنج‌آفرینی می‌کنند و می‌خواهند امیدها را از دل‌ها بگیرند و مردم را بترسانند. این قابل قبول نیست، حتی در جامعه کوچک زمان پیغمبر؛ زیرا همه قدرت‌ها و احزاب هم‌دست شدند تا اسلام را ریشه‌کن کنند، و ایمان در دل‌ها آن عمق لازم را در پیدا نکرده، لذا «مرجف» در مدینه قابل گذشت نیست. «لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ»؛ اگر شایعه‌پراکن‌ها و کسانی که می‌خواهند جامعه را از سلامت، سکون و آرامش خودش خارج کنند، دست بردارند، ما تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت تا انتقام مردم را بگیری (اغراء). این لحن شدید‌خشن در مقابل کسانی است که حاضر نیستند جو سالم جامعه را تحمل کنند» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۷/۵/۸ و همو، بیانات در ۱۹۹۱/۹/۱۸). در آیه بعد، شایعه‌سازان و شایعه‌پراکنان ملعون خوانده شده و دستور به بازداشت و قتل آن‌ها داده شده است (احزاب/۶۱) مؤلف المیزان می‌نویسد: کلمه «مرجفون» از «ارجاف» به معنای اشاعه باطل و در سایه آن استفاده‌های نامشروع بردن و یا حداقل مردم را دچار اضطراب کردن است (طباطبایی، ۱۹۷۰، ج ۱۶: ۳۴۰) و مقصود از آن گروهی از منافقان بودند که تبلیغات دروغین را علیه پیامبر(ص) و صحابه پخش می‌کردند و مؤمنان سست ایمان «و الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» را به شک می‌انداختند (مغنیه، ۲۰۰۳، ج ۶: ۲۴۰). آنان به منظور دست‌یابی به اغراض شیطانی خود، و ایجاد دل‌پهره و اضطراب بین مسلمانان، به جنگ روانی و شایعه‌سازی می‌پرداختند و

می‌پردازند. خداوند منافقین و بیماردلان را در صورت ادامه فسادانگیزی تهدید شدید کرده است (طباطبایی، ۱۹۷۰، ج ۱۶: ۳۴۰ و مغنیه، ۲۰۰۳، ج ۶: ۲۴۰).

رهبر انقلاب در مورد ماجرای «افک» می‌فرماید: «مسأله این نیست که آن مخدره، زن پیامبر (ص) است و باید او را احترام کرد؛ در آیات قرآن، مسأله چیز دیگری است. آیات سوره نور (نور/۱۱-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹) درباره «افک» (سخن دروغی که افراد ناسالم در جامعه پخش کردند) به شدت حساسیت نشان می‌دهد و چند آیه پی‌درپی، با لحن بسیار تند خطاب به مسلمان‌ها می‌فرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور/۱۲)؛ چرا وقتی شما این شایعه را شنیدید، نسبت به گوینده آن شدت عمل بخرج ندادید و چرا این شایعه را قاطعاً رد نکردید؟ یک‌جای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور/۱۶)؛ چرا وقتی که این شایعه را شنیدید، نگفتید که ما حق نداریم این شایعه را تکرار کنیم؟ این، یک بهتان بزرگ است. در آخر این آیات می‌فرماید: خدا به شما موعظه و نصیحت می‌کند که هرگز دیگر گرد چنین شایعه‌ها نگردید (نور/۱۷). به وسیله این حادثه، ریشه شایعه‌پراکنی در مسائل شخصی افراد، کنده شد. پس، یکی از کارهای رسول اکرم (ص) این بود که فضای جامعه را یک فضای مهربان و سرشار از مهر و محبت بسازد تا همه مردم در آن، نسبت به یکدیگر محبت بورزند و با خوشبینی به یکدیگر نگاه کنند. امروز هم تکلیف ما همین است (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۹/۱۰/۲۰). این مطلب مورد توجه دیگر اندیش‌وران نیز بوده است. چنان‌چه فضل‌الله می‌نویسد: شایعه‌پراکنی، گسترش فساد و انتشار ضلالت و فتنه به هدف تضعیف نظام و متزلزل کردن جامعه همواره بوده است و امروزه از آن به «جنگ روانی» تعبیر می‌شود که توسط سرویس‌های اطلاعاتی و مطبوعات به راه انداخته شده و هدایت می‌شود (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ج ۱۸: ۳۵۱).

بنابراین هرچند بیان در اسلام آزاد است؛ اما اگر کسی بخواهد با بیان خود، جو آرام جامعه و سلامت محیط همزیستی مردم را به هم بزند، پذیرفته نیست و به صراحت قرآن کریم «لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»؛ دستگاه‌ها موظف خواهند بود درمقابل چنین بیانی بایستند و تعقیب قانونی و سیاسی و حقوقی نمایند.

پرهیز از تزییع حقوق مردم

یکی از معضلات جوامع انسانی آن است که افراد به بهانه آزادی بیان دیدگاه‌های فتنه‌انگیز، کینه‌جویانه و نابخردانه را علیه نمادها، رهبران، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه یا یک گروه، پخش می‌کند که علاوه بر تزییع حقوق شهروندان، موجب ناآرامی، شورش و هرج و مرج می‌شود. (سیدباقری، ۲۰۲۰: ۳۲) بدین سبب اسلام در کنار تأیید اصل آزادی بیان التزام به حفظ مصالح جمعی و فردی را مهم شمرده است. در همین راستا قرآن کریم به پرهیز از بیان‌ها باطل (حج/۳۰) و سخنان بی‌پهوده (مؤمنون/۳) تأکید و به رعایت عدالت و انصاف در گفتارها (انعام/۱۵۲) سفارش و از تهمت بی‌دینی به مدعی اسلام (نساء/۹۴) و اهانت به مقدسات اقوام و ملت‌ها منع نموده است. (انعام/۱۰۸) استهزاء، عیب‌جویی، لقب‌گذاری‌های ناپسند (حجرات/۱۱ و همزه/۱) و بدگمانی و تجسس نیز ممنوع شده است (حجرات/۱۲). از نگاه قرآن اظهارنظر درباره دین،

محدود به حفظ حدود آن و پرهیز از گفتار باطل است (نساء/۱۷۱) رعایت مصالح جامعه اسلامی آنقدر مهم است که قرآن از هر گفتاری که مورد سوءاستفاده دشمنان واقع شود بازداشته است. (بقره /۱۰۴)

پایبندی به مصالح عمومی و امنیت جمعی در اظهار نظرها

اظهارنظرها باید با رعایت مصالح جمعی، منافع عمومی و امنیت ملی همراه باشند تا آزادی بیان به ابزاری برای تضعیف امنیت و وحدت جامعه تبدیل نگردد. این محور، تأکیدی است بر همسویی حق آزادی با منافع کلان اجتماعی.

جدول ۴: تحلیل مضمون پایبندی به مصالح عمومی و امنیت جمعی در اظهار نظرها

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه	داده‌ها: آیات قرآنی و بیانات رهبری
پایبندی به مصالح عمومی و امنیت جمعی در اظهار نظرها	خودداری از افشای اطلاعات محرمانه	منع افشای ناپهنگام اخبار امنیتی بدون ملاحظه مصالح	«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَاَوَّلُوهُ إِلَى الرِّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُمْ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ...» (نساء/۸۳). یکی از مرزهای آزادی بیان، ممنوعیت افشای اسرار مملکتی است. افشای بی‌ملاحظه اخبار امنیتی، ممکن است مفسده‌آفرین باشد. باید این امور به مسئولان سپرده شود تا با ملاحظه مصلحت عمومی منتشر شود.» (۱۹۸۷/۵/۸)
		ناتوانی مردم از تشخیص مضرات افشای اخبار حساس	
		زیان‌های امنیتی و اجتماعی ناشی از پخش عمومی اسرار	
		لزوم ارجاع اخبار امنیتی به مسئولان خبره برای تحلیل و تصمیم	
	جوگیری از گسترش اندیشه‌های گمراه‌کننده و فریبنده	منع استفاده از گفتار برای گمراه کردن مردم از مسیر حق	«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (لقمان/۶)
		منع انتشار اندیشه‌هایی که موجب انحراف فکری یا دینی می‌شود	بیان اغواگر، گمراه‌کننده و ضد رشد فکری، در اسلام ممنوع است... نمی‌شود اجازه داد که کتابی جامعه را منحرف و جوان را فاسد کند» (۱۹۸۷/۵/۸؛ ۱۹۹۹/۵/۱۸)
		رشد ظاهری آزادی بیان همراه با ترویج فساد و رکود فکری	
		لزوم ممنوعیت نشر سخنان اغواگر برای حفظ سلامت فکری جامعه	

خودداری از افشای اطلاعات محرمانه

هر فرد و مجموعه اسراری دارد که آن را از دید نااهلان پنهان نگه می‌دارند و هر آن که به افشای آن اقدام کند، خیانت کار محسوب می‌شود. قرآن کریم با صراحت مسلمانان را از پخش اطلاعات امنیتی بازداشته است. امام خامنه‌ای با استناد به آیه «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَاَوَّلُوهُ إِلَى الرِّسُولِ

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...» (نساء/۸۳) «یکی از مرزهای آزادی بیان، را ممنوعیت افشای اسرار مملکتی می‌داند. ایشان می‌افزاید: «خصوصیت آدم‌های ناباب این است؛ که اگر خبری از «امن یا خوف» (اسرار مملکتی)، گیرشان آید، بدون هیچ‌گونه ملاحظه و مصلحتی، در مقابل مردم افشا می‌کنند. این اقدام به حسب این آیه و در شرع مقدس، مذموم و ممنوع است، حتی اگر خبر پیروزی باشد؛ زیرا ممکن است افشای این خبر یک مفاسد جنبی داشته باشد» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۷/۵/۸) بدین جهت است که از نگاه قرآن همه اخبار را باید به مسئولین گزارش کرد تا آنان با ملاحظه مصالح در اختیار مردم بگذارند.

صاحب المنار در بیانی به همین مضمون می‌نویسد: عده از افراد جامعه نبوی در مدینه؛ منافقین، مسلمان ضعیف‌الایمان و عموم مردم (رشید رضا، ۱۹۹۳، ج ۵: ۲۹۸) علاقه داشتند؛ اخباری مربوط به پیروزی و یا شکست مسلمانان (مکارم شیرازی، ۱۹۹۳، ج ۴: ۳۰) یا مطلق اخباری که به آنان می‌رسند را (رشید رضا، ۱۹۹۳، ج ۵: ۲۹۸) بدون وارسی صحت و سقم و فواید و مضرات آن، منتشر و پخش کنند، (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۷۳)؛ زیرا عامه مردم ضرر آنچه می‌گویند، و ضرر آگاه شدن جاسوسان دشمن از اسرار ملت خود و پیامدهای آن را نمی‌دانند (رشید رضا، ۱۹۹۳، ج ۵: ۲۹۸) و بسیار می‌شود که این اخبار، بی‌اساس بوده و از طرف دشمنان به اهداف خاصی جعل شده و اشاعه آن به زیان مسلمانان تمام شده است (مکارم شیرازی، ۱۹۹۲، ج ۴: ۳۰) و آنان را با سردرگمی در زندگی اجتماعی (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۷۳) خطر گمراهی و سست شدن عزم مسلمین مواجه می‌کردند (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۱). از آن جایی که مردم نمی‌توانند پیامدهای منفی و مثبت این سنخ موضوعات بر جامعه را تشخیص دهند، قرآن به مسلمانان دستور داده است که این دسته از مطالب را به رسول خدا و در صورت غیبت آن حضرت (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ج ۷: ۳۷۳) به ائمه (ع) و در درجه بعد به دانشمندانی که در این گونه مسائل صاحب‌نظرند ارجاع دهند (مکارم شیرازی، ۱۹۹۲، ج ۴: ۳۱). تا آنان با دانش و تحقیق پیرامون آن اخبار، صحت یا بطلان آن را استنباط کرده و آنچه را که موافق مصلحت عمومی تشخیص می‌دهند، بیان کنند (طباطبایی، ۲۰۱۱، ج ۵: ۲۲). تا نه مسلمانان گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی‌هایی خیالی شوند و نه روحیه آن‌ها به خاطر شایعات دروغین مربوط به شکست تضعیف گردد (مکارم شیرازی، ۱۹۹۲، ج ۴: ۳۱).

بنابراین؛ رهیافت‌های قرآنی امام خامنه‌ای انتشار اخبار و اطلاعات سیاسی، امنیتی، اجتماعی و... را به دلیل پیامدهای ناگوار احتمالی آن بر جامعه و سودجویی دشمنان، پیش از سنجش و پالایش افراد آگاه مذموم و ممنوع می‌داند.

جلوگیری از گسترش اندیشه‌های گمراه‌کننده و فریبنده

یکی از عوامل تحدید کننده آزادی بیان فریب دادن، منحرف ساختن و گمراه کردن مردم است. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «هر بیان عقیده آزاد است؛ اما بیان گمراه‌کننده، اغواگر و به خطا افکننده دل‌ها و ذهن‌ها در جامعه باشد، از نظر اسلام ممنوع است؛ زیرا آزادی برای هدایت، رشد افکار و پیشرفت جامعه است. آن

آزادایی که موجب گمراهی و رکود افکار و عقب‌گرد جامعه باشد، یقیناً قابل قبول نیست» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۸۷/۵/۸). قرآن یکی از نشانه‌های انسان مؤمن را اعراض از سخنان بیهوده می‌داند (مؤمنین/۳) و به کسانی که در تکاپوی سخنان بیهوده‌اند تا مردم را گمراه‌سازند، هشدار می‌دهد «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان/۶) علت اجماع فقها به حرمت حفظ و نشر کتب ضاله، همین است که این کار جامعه را در معرض رواج فساد و گمراهی قرار می‌دهد (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ج ۱۵: ۲۰). رهبر انقلاب می‌فرماید: «نمی‌شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور بیاید و از شما کتابی بخرد و از این طریق گمراه یا فاسد شود یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۹۹/۵/۱۸). علامه طباطبایی نیز می‌فرماید: «لهو الحدیث» آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد؛ همانند حکایات خرافی، داستان‌هایی کشاننده به سمت فساد و فجور، سرگرمی به موسیقی و مزار و سایر آلات لهو (طباطبایی، ۲۰۱۱، ج ۱۶: ۲۰۹) مانند نصر بن حارث که گاهی دخترانی را می‌خرد و دستور می‌داد با کسانی که مسلمان شده بودند زندگی کنند و آنان را از اسلام خارج کند و قصدش فقط گمراهی و جلوگیری از دین خدا بود (مراغی، بی‌تا، ج ۲۱، ۷۴). پس از نگاه رهبر انقلاب نشر افکار گمراه‌ساز و غفلت‌انداز آزاد نبوده و این یکی از حدود آزادی بیان است.

هدفمندی آزادی بیان

بیان آزاد باید هدفمند و در مسیر تحقق آرمان‌ها و مصالح جامعه باشد؛ گفتار بی‌هدف یا مخرب، «آزادی‌بیان» را از کارکرد اصلی‌اش دور می‌سازد و به جای سازندگی، زمینه تفرقه و انحراف را فراهم می‌کند. پاره‌ای از اهداف این مهم بدین ترتیب است.

جدول ۵: تحلیل مضمون هدفمندی آزادی بیان

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	داده‌ها: آیات قرآنی و بیانات رهبری
هدفمندی آزادی بیان	تعمیر و بازسازی	لزوم انتقال پیام الهی به مردم	«ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده/۹۹) و نیز «بیان» (آل عمران/۱۳۸)، «تبین» (ابراهیم/۴) و «دعوت» (نحل/۱۲۵)
		لزوم رساندن حقیقت به گوش جامعه	«یکی از وظایف مقدس انبیا، علماء، متفکران، دانایان و مصلحان تبلیغ و بلاغ است» (۱۹۹۸/۴/۲۲).
		لزوم ابلاغ بدون تحریف	
		لزوم آزادی بیان برای هدایت جامعه	
	تعمیر و بازسازی	لزوم تبلیغ به عنوان وظیفه دینی	
		ضرورت مشارکت در تصمیم‌گیری	«وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران/۱۵۹)، «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...» (شورا/۳۸). «آزادی- بیان» فرصت مشورت‌گیری و مشورت‌دهی را
		ضرورت فضای آزاد تبادل نظر	
		ضرورت استفاده از عقل جمعی	

		ضرورت وجود جریان آزاد اندیشه	فراهم می‌سازد و مشاوره، عقل جمعی را بیدار می‌سازد (۲۰۰۳/۲/۵)
		ضرورت گفت‌وگوی آزاد برای سیاست‌گذاری عقلانی	
نظارت عمومی		لزوم دعوت به اصلاح در فضای عمومی	«و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» توبه/۷۱، آل عمران/۱۱۰ و ۱۰۴؛ «راه حق را بروید، دیگران را هم به راه حق بکشانید» (۲۰۲۲/۹/۱۷).
		افشاگری دلسوزانه	
		حق نظارت همگانی	
		آزادی برای امر به معروف	
		اصلاح رفتارهای اجتماعی از طریق گفتار آزاد	
دادخواهی		لزوم افشای ظلم با صدای بلند	لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً (نساء: ۱۴۸) «دادخواهی مظلومان و وظیفه دستگاه قضاست» (۲۰۰۴/۶/۲۷ و ۱۹۸۹/۶/۲۸)
		لزوم بیان درد و مطالبه عدالت	
		وجود آزادی در اعلام ستم	
		لزوم بیان حقایق پنهان شده	
		لزوم رساندن فریاد مظلوم به حاکمان	
پرسش‌گری		جواز پرسش در همه حوزه‌ها / حق پرسش از حاکمان / ضرورت شفافیت در امور / آموزش‌پذیری جامعه از راه سؤال / حضور فعال رهبر در میان نخبگان برای پاسخ‌گویی	وجود پرسش‌های گوناگون در قرآن کریم؛ (انفال/۱)؛ بقره/ ۱۸۹ و ۱۸۹/ و ۲۱۹ و ۲۲۲ و ۲۱۵ و ۲۲۰؛ مائده/ ۴؛ اسراء/۸۵؛ کهف/ ۸۵؛ نازعات/۴۲ و احزاب/۶۳). پرسش وظیفه مردم، پاسخ‌گویی وظیفه مسئولان (۱۹۸۱/۶/۲۷)

هدایت‌گری

«آزادی بیان» باید در خدمت رساندن به پیام حق و هدایت جامعه باشد. در قرآن کریم، یکی از وظایف اساسی پیامبران، تبلیغ و ابلاغ پیام الهی معرفی شده است: «ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده/۹۹) و نیز واژگان «بیان» (آل عمران/۱۳۸)، «تبیین» (ابراهیم/۴) و «دعوت» (نحل/ ۱۲۵) بر همین مسأله دلالت دارد. این دسته از آیات ضمن، اثبات اصل «آزادی بیان»، آن را به مثابه یک ضرورت برای هدایت مردم مطرح می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی می‌فرماید: «یکی از وظایف مقدس انبیا، علما، متفکران، دانایان و مصلحان تبلیغ و بلاغ است.» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۹۸/۴/۲۲)؛ زیرا بدون آزادی در گفتار، پیام الهی به بشریت نمی‌رسد و هدایت حاصل نمی‌شود. روشنگری زمانی تحقق می‌یابد که آزادی بیان پذیرفته شده باشد. بنابراین؛ آزادی بیان از منظر رهبری، شرط تحقق رسالت‌های بزرگ فرهنگی و تمدنی است.

مشورت‌دهی

یکی از اهدافی که در «آزادی‌بیان» مورد نظر است، بهره‌گیری از دانش و بینش دیگران است. به بیرون انداختن خواسته‌ها و افکارشان کرده است. قرآن کریم با نقل پیشینه شورا در دستگاه ملکه سبا (نمل/۳۲)، فرعون (قصص/۲۰ و طه/۶۲)، عزیز مصر (یوسف/۴۳) خطاب به پیامبرش می‌فرماید: وَ شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ... (آل عمران/۱۵۹) و در آیه دیگر می‌فرماید: وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ... (شورا/۳۸). این آیات، فضای آزاد تبادل نظر را مقدمه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های عقلایی در جامعه معرفی می‌کنند. پس «آزادی‌بیان» فرصت مشورت‌گیری و مشورت‌دهی را فراهم می‌سازد و مشاوره عقل جمعی را بیدار می‌سازد (پاسخ مقام معظم رهبری به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۲۰۰۳/۲/۵) و در نهایت سیاست‌گذاری‌ها، از استحکام بیشتر برخوردار می‌شود.

نقش نظارت همگانی در آزادی بیان

بیان، با هدف نظارت عمومی و اصلاح اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، واجد مشروعیت و آزادی است. قرآن کریم؛ مردان و زنان مؤمن را در هر نقطه از جهان اسلام آمران به معروف می‌داند. (توبه/۷۱، آل عمران/۱۱۰ و ۱۰۴) رهبر انقلاب با استناد به آیه ۳ سوره عصر می‌فرماید: «راه حق را بروید، دیگران را هم به راه حق بکشانید. این تواصی بر ما و شما لازم است» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۲۲/۹/۱۷). تحقق اصل امر به معروف و نهی از منکر، جامعه را چنان زلال می‌کند که اگر کسی قطره فساد هم در آن چکاند، خود جامعه آن را هضم کند و از بین ببرد (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۹۹۶/۵/۱۵). لزوم نظارت بر رفتار دیگران به ویژه در عرصه اجتماع و توصیه دلسوزانه مسلمانان به هم‌دیگر به هدف جلوگیری از پیدایش و افزایش فساد و انحراف، نمایان‌گر آن است که در بافتار و ساختار جامعه اسلامی، گفتار، نوشتار و کردار اصلاح‌طلبانه و فسادستیز آزاد و بلکه رسالت همگانی است.

دادخواهی

از دیگر اهداف «آزادی‌بیان» زمینه‌سازی برای حق‌خواهی و عدالت‌طلبی ستم‌دیدگان عالم است. قرآن کریم به مظلوم اجازه می‌دهد تا با صدای بلند از ظلم شکایت (نساء/۱۴۸) و ظالم را به مردم معرفی کند؛ زیرا اعلام ظلم، رجوع به عدالت خداوند است (ابن عاشور، ۱۹۹۹، ج ۴: ۲۹۵). از آنجا که در برخی مواقع تظلم و دادخواهی منحصر در افشای ظلم است، خداوند این اجازه را به ستم‌دیده داده است. از نگاه امام خامنه‌ای دستگاه قضایی باید پناه ستم‌دیدگان باشد و به دادخواهی آنان رسیدگی کند (مقام معظم رهبری، بیانات در ۲۰۰۴/۶/۲۷ و ۱۹۸۹/۶/۲۸). بنابراین: افشای ستم لازم و ستم‌کشی حرام است. آیت‌الله خامنه‌ای که اندیشه‌هایش منبعث از قرآن است دادخواهی و فریاد برآوردن ستم‌دیدگان را لازم دانسته و مسئولان قضایی را برای رسیدگی به استغاثه مظلومان دستور داده است. لازمه روا بودن دادخواهی، جواز «آزادی بیان» است.

پرسش‌گری

«آزادی بیان»، فرصت پرسش‌گری را در جامعه فراهم می‌آورد. خداوند ضمن بیان این که مردم حق دارند از رهبر و کارگزاران جامعه سؤال کنند، به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که باید پاسخ‌گو باشد. برخی از پرسش‌های مردم و پاسخ‌های پیامبر(ص) که در قرآن نقل شده است عبارت‌اند از: «پرسش اقتصادی (انفال/۱)؛ «پرسش سیاسی» (بقره/۱۸۹)؛ «پرسش علمی» (بقره/۱۸۹)؛ «پرسش فقهی» (بقره/۲۱۹ و ۲۲۲)؛ «پرسش اجتماعی اخلاقی» (بقره/۲۱۵ و ۲۲۰)؛ «پرسش از اطعمه و اشربه» (مائده/۴)؛ «پرسش فلسفی» (اسراء/۸۵)؛ «پرسش تاریخی» (کهف/۸۵)؛ «پرسش طبیعی و کلامی» (نازعات/۴۲ و احزاب/۶۳). در قرآن کریم نه تنها از پرسشگری مردم منع نشده است، بلکه خداوند به پیامبر فرموده که مردم سؤال می‌کنند و شما این‌گونه جواب بده. خداوند با این گفتار، آزادی بیان مردم را به رسمیت شناخته است.

امام خامنه‌ای به‌عنوان زعیم حکومت اسلامی در دوران کنونی با تکیه بر قرآن کریم و تعقیب سنت پیامبر(ص) چه پیش از انقلاب (دوران اختناق و خفقان طاغوت) و چه پس از انقلاب، همواره با حضور در میان دانشجویان، اساتید و نخبگان به سؤالات آنان گوش فراداده و بدان‌ها پاسخ می‌دادند. از منظر ایشان سؤال امر پسندیده، دستور شرع و وظیفه مردم و نخبگان است و پاسخ بدان وظیفه مسئولان (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ در مسجد ابودر تهران، ۱۹۸۱/۶/۲۷).

نتیجه‌گیری

بر پایه خوانش تفکر قرآن‌بنیان امام خامنه‌ای، آزادی بیان نه تنها مجاز؛ بلکه در برخی موارد ضرورت اجتماعی و دینی است؛ با این حال، این آزادی ماهیتی مطلق و رها از ضابطه ندارد. از منظر ایشان، بیان دیدگاه‌ها، نظریه‌پردازی و مناظره علمی باید در چارچوب اصول ثابت، اخلاق اسلامی و منطقی عقلانی صورت گیرد تا تعادلی میان «هرج و مرج فکری و فرهنگی» و «دیکتاتوری فکری» برقرار شود. در این چارچوب، آزادی، اخلاق و منطق مؤلفه‌هایی هم‌عرض و مکمل‌اند که زمینه پویایی اندیشه و رشد عقلانیت اجتماعی را فراهم می‌سازند.

بر این اساس، بیان اندیشه همراه با رعایت ادب، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران، مطالبه‌ای اسلامی تلقی می‌شود. هدف اسلام، چنان‌که در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای تبیین شده، نقد هم‌زمان فرهنگ خفقان و جمود از یک‌سو و آزادی افسارگسیخته و غیرمتعهد از سوی دیگر و ایجاد فضایی است که در آن آزادی بیان در چارچوب منطق، اخلاق و حقوق مادی و معنوی اشخاص تحقق یابد. از این منظر، مواجهه با نابسامانی‌های فرهنگی و بی‌نظمی گفتمانی، نه از طریق تحدید سلبی آزادی، بلکه با حمایت و نهادینه‌سازی آزادی بیان در چارچوب قانون و منظومه معرفتی اسلام امکان‌پذیر است.

بر همین مینا، اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای برای آزادی بیان ضوابط و حدود روشنی قائل است؛ از جمله: عدم تجاوز از حدود الهی، ممنوعیت افشای اسرار دولت و ملت، پرهیز از ترویج و تبلیغ افکار گمراه‌ساز و

تنش آفرین، اجتناب از اظهارنظرهای جاهلانه و مغرضانه، مقابله با تحریف و تأویل ناروا، پرهیز از بیانهایی که روابط سالم اجتماعی را مخدوش می‌سازد و لزوم رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران. در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ضابطه‌مند ساختن آزادی بیان، به معیارمندی رفتارها و گفتارهای مسئولان و شهروندان می‌انجامد، مسیر تحقق آزادی حقیقی را هموار می‌سازد و مانع از آن می‌شود که قدرت‌مداران با تفسیرهای ابزاری و مصلحت‌جویانه، آزادی بیان را به سود منافع خود محدود یا توجیه کنند. این چارچوب، الگویی متوازن و کارآمد از آزادی مسئولانه را ارائه می‌دهد.

References

- *The Holy Quran*
- *Nahj-ul-Balagha*
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1999 AH). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir, known as Tafsir Ibn Ashur*, Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation, first edition.
- Ishaqi, Hussein (2005). *Azadi Dar Islam wa Gharb*, Qom: Islamic Research Center of the Islamic Broadcasting Corporation, first edition.
- Anvari, Hassan (2002). *Farhang Bozorg Sokhan*, Tehran, Sokhan, first edition.
- Ayazi, Seyyed Muhammad Ali (2000). *Azadi Dar Quran*, Tehran: Zikr Publishing and Research Foundation, unpublished.
- Berlin, Aizia (1989). *Four Articles on Azadi*, translated by Movahedi, Muhammad Ali, Tehran: Al-Khwarizmi Joint Stock Company.
- Information website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of His Eminence Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei <https://khamenei.ir>
- Jafari, Mohammad Taqi (1996). *Philosophy and the Purpose of Life*, Tehran: Qadiani Publications, out of print.
- Javadi Amoli, Abdullah (2002). *Thematic Interpretation of the Quran: Society in the Quran*, Qom: Israa Publications, out of print.
- Johari, Ismail bin Hamad (1997). *Al-Sahah; Taj al-Lughah and Al-Sahah al-Arabiya*, Beirut: Dar al-Ilm for millions, first edition.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). Tehran: University of Tehran.
- Raghیب Isfahani, Hussein bin Muhammad (1992), *Al-Mufradat al-Afas al-Quran*, Beirut: Dar al-Ilm, first edition.
- Reza, Muhammad Rashid (1993). *Tafsir al-Quran al-Hakim al-Musharuf bi-tafsir al-Manar*, Beirut: Dar al-Maraf, first edition.
- Sobhani Tabrizi, Jafar (2000). *Concepts of the Quran*, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, out of print.
- Seyyed Baqeri, Seyyed Kazem (2018). "The Right to Freedom of Expression from the Perspective of the Quran", *Political Sciences*, Year 21, No. 81.

- Seyyed Baqeri, Seyyed Kazem (2020). “The Criteria for Political Freedom with an Emphasis on the Holy Quran”, Political Science, Year 12, No. 2.
- Shirkhani, Ali (2007). *Freedom from the Perspective of Shiite Islam*, Tehran: Islamic Revolution Documents Center, first edition.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqir (2006), *Economic Institutions of Islam*, translated by Bayan, Gholam Reza, Shushtari, Fakhr al-Din, Tehran: Badr, unpublished.
- Tabatabaei, Mohammad Hussein (2011). *Al-Mizan in the Interpretation of the Quran*, Beirut: Al-Alami Press, second edition.
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1993). *Majma' al-Bayan in the Interpretation of the Quran*, Tehran: Nasser Khosrow, third edition.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir (beta). *Tarikh al-Tabari*, researched by Mohammad Abul-Fadl Ibrahim, Cairo, Dar al-Ma'arif, unpublished.
- Amid, Hassan (1998). *Farhang Persian Amid*, Tehran, Sepehr, twelfth edition.
- Amidzanjani, Abbas Ali (1998). *Political Jurisprudence* (Basic Rights and Fundamentals of the Constitution of the Islamic Republic of Iran), Tehran: Amir Kabir Publishing House, fourth edition.
- Fadlallah, Seyyed Mohammad Hussein (1999). *Interpretation of the Revelation of the Quran*, Beirut, Dar al-Mulak for Printing and Publishing, second edition.
- Qutb, Seyyed (1999). *In the Shadow of the Quran*, Beirut, Dar al-Shoroq, thirty-fifth edition.
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub (1999). *Al-Kafi (Islamic Studies)*, researcher/editor: Ghaffari Ali Akbar and Akhundi, Muhammad, Tehran: Dar al-Kuttab al-Islamic Studies, unpublished.
- Katouzian, Nasser et al., (2003). *Freedom of Thought and Expression*, Tehran: Nashrgaraysh, first edition.
- Maraghi, Ahmad Mustafa (no date). *Interpretation of the Maraghi*, Lebanon: Dar al-Fikr, published First.
- Motahari, Morteza (2007). *Islam and the Requirements of the Time*, Tehran: Sadra Publications, 8th edition.
- Masoumi, Jamshid (2017). *Freedom of Speech and Its Foundations*, Tehran: Mizan Publications, 1st edition.
- Moein, Mohammad (1997). *Persian Language*, Tehran, Sepehr, 10th edition.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (2003). *Al-Tafsir Al-Kashif*, Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami, 1st edition.
- Makarem Shirazi, Nasser (1992). *Tafsir Al-Numno*, Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islami, 10th edition.
- Mill, John Stuart (1961). *About Freedom*, translated by Sana'i, Mahmoud, Tehran: Pocket Books.